



نرگسانه

شاعر:

صدیق کریمه

سرشناسنامه : کریمه، صدیق.

عنوان و نام پدیدآورندگان : نرگسانه/ صدیق کریمه.

مشخصات نشر : تهران: خردمندان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۱۹ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۸-۱۵۷-۲

وضعیت فهرست نویسی :

موضوع : فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۱۳۹ ن ۸۳۰ PIR

رده بندی دیویی : ۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۴۰۹۰۵

نام کتاب : نرگسانه

گردآوری و تألیف : صدیق کریمه

ویراستار : رضا آرمان

نوبت چاپ : اول ۹۵

شمارگان : ۵۰۰ نسخه

قیمت : ۸۰۰۰۰ ریال

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۸-۱۵۷-۲

Kheradmandan Publications

دفتر مرکزی : تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروژ - پلاک ۱۰
تلفن: ۶۶۹۵۹۴۷۴ (خط ویژه)

هر گونه چاپ، تکثیر، یا باز نشر این اثر بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از افست، ریسوگراف یا زیراکس، بر روی هر حامل داده‌ای اعم از کاغذ، سی‌دی یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا خلاصه شده تحت هر نام اعم از کتاب، جزوه یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

جنگ پیش روی شما که ثمره‌ی جریح‌های سرهنگ بازنشسته جناب آقای صدیق کریمه است از این نگاه ارزنده است که ایشان پس از دست کم سی سال نظامی‌گری کشتزار دل و روان خود را همچنان آماده‌ی شکوفاندن دانه‌های عشق و هنر نگاه داشتند و این روحیه قابل چشم‌پوشایی نیست.

نیز، پیام‌های ارزنده و طرح‌های بکر و نوینی که در بیشت کارهایشان هست ستودنی است تا جایی که در کار ویرایش تنها به رنگ و زنگ شعرها پرداختم که در برگرفته‌ی آهنگ و وزن فاف، کاربرد واژگان بود و در پی آن، فحوا همان فحوا ماند؛ شعرها همین شعرها شد.

امیدوارم این اثر در تب و تاب این جهان، پر تنش بیک آرامشی برای شما دو «ارمن» شوق و هنر ولو به حجم قطره‌ای از دریا باشد.

در پایان دست‌تَمَا به روی شما صاحب‌نظران و دوستداران برای دریافت انتقادهای و پیشنهادها، از راه سایت و تلفنم دراز می‌کنم.

پاینده، شادکام و رستگار باشید.

رضا آرمال

(شاعر، ویراستار، مدرّس و مترجم انگلیسی، فرانسه و عربی)

www.Reza-Armal.com

۰۹۱۳۳۱۹۹۰۶۰

طبیعت را می‌توان به گمانی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین الهام بخش ادیبان و شاعران به طور کلی هنرمندان در هر دوره و زمان دانست و موسیقی‌دانان بهترین دیده‌ها و نشانه‌ها را از اصوات و مناظر طبیعی و دریافت و نقاش‌ها در هر مکتبی از رئالیسم تا سوررئالیست که هر کدام تداعی‌کننده‌ی طبیعت بوده‌اند. اگر چه تمام هنرمندان طبیعت را دستمایه‌ای قرار می‌داده‌اند که در کنار مضامین عرفانی یا جریان‌های تأثیرگذار فکری و با تلفیق این دو محصول کار را به مخاطب نمایش می‌دادند و یا صرفاً تداعی‌کننده عین‌العین مناظر طبیعی یا اصوات و رویدادهای طبیعی نظیر عشق مادر به فرزند مرد، به زن، انسان به پروردگار و هر شکلی از آن‌ها مهر و عشق و محبت بوده‌اند. در این میان می‌توان به گل که یکی از پرطرفدارترین مظاهر طبیعت است اشاره کرد. زیبایی ظاهری شاخصه‌ی منحصر به فرد هر گل رنگ و بوی الهام‌بخش گل‌ها نمادین بودن گل‌ها در فرهنگ‌های مختلف جهان. برای‌شان گل رز سرخ در فرهنگ جهانی نشان و نماد عشق هدیه‌ی آن‌ها هم مفهوم ویژه‌ای دارد. رقصان نماد انسان دلسوخته است. با گلبرگ‌های سرخ رنگ و در دل خود لکه‌های سیاه رنگ پنهان کرده، قرن‌هاست که با آواز داغ دل انسان‌های داغ‌دیده است. اینک این جانب نرگس را دستمایه‌ی تداعی طبیعت در اشعار خود قرار داده‌ام. نرگس زیباترین گل‌هاست. نه تنها در این مجموعه بلکه شاهد حضور نفوذ و زیبای گل نرگس در ادبیات بی‌بدل بزرگ‌مرد غزل‌سرای ایران حضرت حافظ هستیم که می‌گوید:

غلام نرگس مست تو تاجدارانست / حراب باده لعل تو هشیارانند

رسیده موسم آن کز طرب چو نرگس مست / نه‌د به پای قدح هر که شش درم دارد *

در استان فارس (شیراز) نرگس در فصل پاییز و آغار زمستان می‌آید و نرگس زارهای زیبا که دل و هوش از انسان می‌ربایند.

چه خوب است نگاهی داشته باشیم بر روی گل نرگس که هزاره‌هاست نام برای بانوان ایران و عرب که در غزل‌های رند شیراز بارها آمده است و گل نرگس در فرهنگ و آیین‌ها بسیار متفاوت‌تر از مفاهیمی است که در غرب و فلسفه‌ی یونان مشاهده می‌شود. گل نرگس یا نارسیس در اساطیر یونانی نام دختر جوانی بود که با دیدن عکس خود در آب شیفته‌ی خود می‌شود و برای در آغوش کشیدن خود به روی آب می‌جهد و جان می‌سپارد و از آن جا در غرب نماد خودشیفتگی است و نام نوعی بیماری روانی که به انسان‌های خودشیفته داده می‌شود. گل نرگس از ایران به اروپا رفته نوع ایرانی بسیار خوشبو و ظریف برای آن می‌شود تاریخچه‌ای دراز و کهن آورد. در فرهنگ کهن ایران نرگس نماد ایزد و ماه است. نیاکان ما ماه را چشم آسمان در شب می‌دانستند و چشم نشاندهنده‌ی خرد و بینش است. در تمام حکامه‌های شاعر پارسی‌گو نرگس به معنی و مفهوم چشم آمده است. البته چشم مست و خمار - چشمان ساقی - دلبری - و شهر آشوب که نیاز به سخن گفتن ندارد. بلکه با یک نگاه تمام اسرار در وجود آن که نیازمند دانستن حقایق نهان است می‌ریزد و مستی و فرزانگی را هر دو با هم یک جا در جان عاشق می‌افشاند. جادارد از دوستان فرهنگ‌دوست خوبم که در تهیه و تدوین این اثر کمک نموده‌اند به ویژه استاد رضا آرمال عزیز و بزرگوار که ویراستاری این مجموعه را به عهده داشتند سپاسگزاری کنم.